

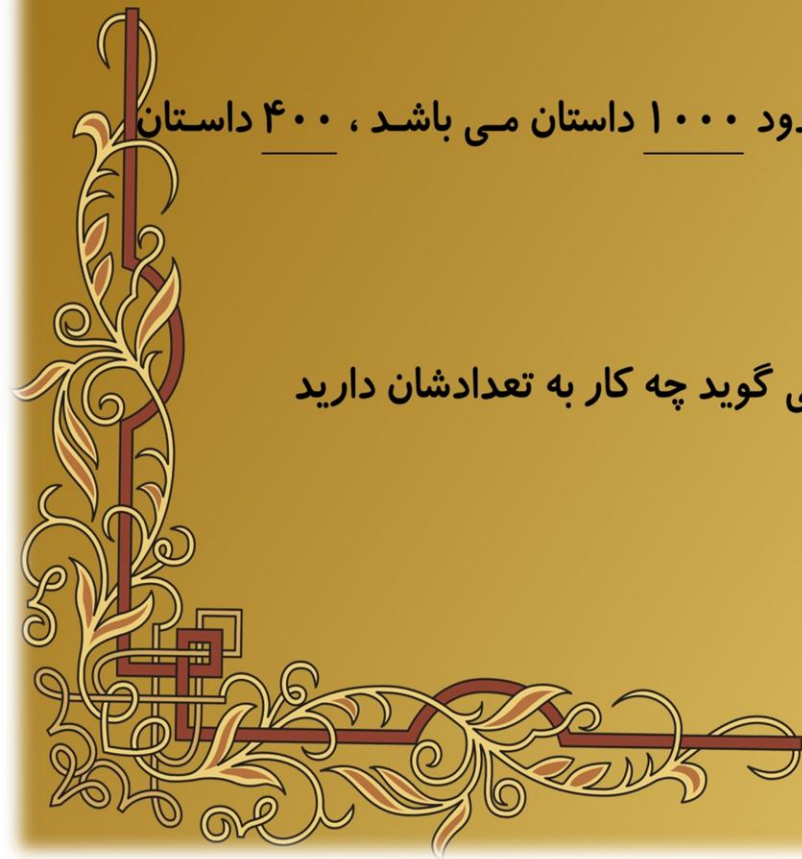
(۳) روش داستانی

تعریف : روشی است که در آن با بهره گیری از داستانها به توضیح آیه می پردازیم .

چیزی که از آن غفلت کرده ایم بحث داستانهای قرآن است ، که حدود ۱۰۰۰ داستان می باشد ، ۴۰۰ داستان

آن در متن قرآن آمده است . قرآن کتاب معارف است.

در داستانها هر چیزی بیان نمی شود مثلاً در داستان اصحاب کهف می گوید چه کار به تعدادشان دارید



"سيقولون ثلاثة رابعهم كلبهم و يقولون خمسة سادسهم كلبهم رجماً بالغيب و

يقولون سبعة و ثامنهم كلبهم قل ربى أعلم بعدتهم ما يعلمهم إلا قليل فلا تمار فيهم الا

مراء ظاهراً ولا تستفت فيهم منهم احداً"^۱

ولى در داستان شعیب را ه رفتن دختر شعیب در برابر نامحرم را هم بیان می کند، "تمشى على استحياء"^۲

اقسام داستانها که می توانیم در روش داستانی از آن بهره بگیریم :

(۱) داستانهای متن قرآن.

^۱ - كهف / ۲۲.

^۲ - قصص / ۲۵.



(۲) شأن نزولها.

(۳) داستانهای معتبر علماء و دیگران .

اصول روش داستانی

(۱) مشخص کردن آیه و هدف اصلی .

(۲) بیان داستان (از آیه ، شأن نزول ، داستان معتبر)

(۳) تفسیر آیه (توضیح آیه) «از داستان در توضیح آیه بهره ببرید»

ویژگیهای روش داستانی

(۱) جذابیت بالا (۲) ماندگاری در ذهن (۳) بهره گیری تمام اقشار جامعه .

نمونه :



داستان حضرت یوسف، که یکی از قسمتهای مهم آن این آیه شریفه می باشد:

" إِنَّهُ هَن يَتَّقُ وَ يَصْبِرُ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ " ^۱

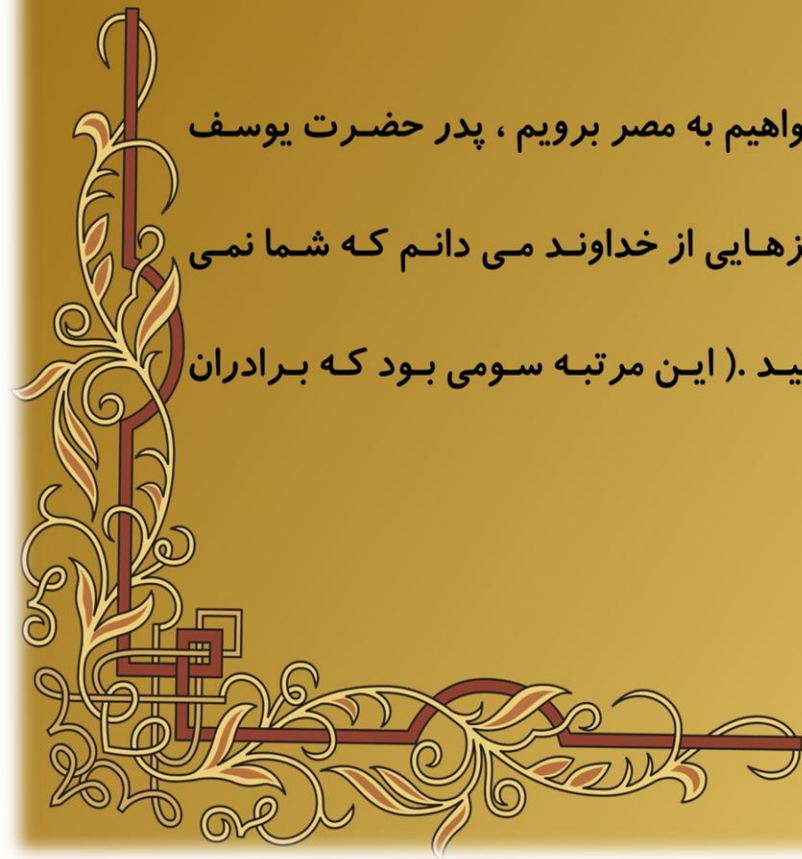
(به راستی ، هر که پرهیزگاری و شکیبایی کند پس (بداند که) خدا مزد نیکوکاران را تباه نمی کند.) توجه داشته

باشید به داستان که چگونه بحث را به این جا می کشاند.

برادران حضرت یوسف ، نزد حضرت یعقوب آمدند و گفتند که می خواهیم به مصر برویم ، پدر حضرت یوسف فرمود: "من فقط از درد و اندوه خویش به خداوند شکایت می کنم ، من چیزهایی از خداوند می دانم که شما نمی دانید . " ^۲ ای بچه های من بروید از حضرت یوسف و بنیامین تجسس کنید . (این مرتبه سومی بود که برادران

^۱ - یوسف / ۹۰ .

^۲ - یوسف / ۸۶ .



یوسف به مصر می رفتند ، و هنوز حضرت یوسف را نمی شناختند (تحقیق کنید و نا امید نشوید " ^۱) مرتبه سوم ورود

برادران حضرت یوسف به مصر (گفتند : " ای عزیز مصر ، ای بزرگ ، سختی ما را گرفته است ، چیزی نداریم و آنچه

داشتیم آورده ایم ، این پیمانه مارا پر کن ، به ما صدقه بده ، خداوند صدقه دهندگان را پاداش می دهد . " ^۲ بعد از

درخواست آنان یکدفعه حضرت یوسف می فرماید : " آیا شما می دانید با یوسف و برادرش چه کردید ؟ " ^۳

برادرانش جا خوردند ، نگاهی به هم انداختند که عزیز مصر از برادر ما چه خبر دارد ؟ ۴۰ سال از زمان انداختن یوسف

به چاه می گذرد . نگاه به هم می کردند ، کم کم معارفه صورت می گرفت . " با تعجب گفتند آیا تو همان یوسفی ؟

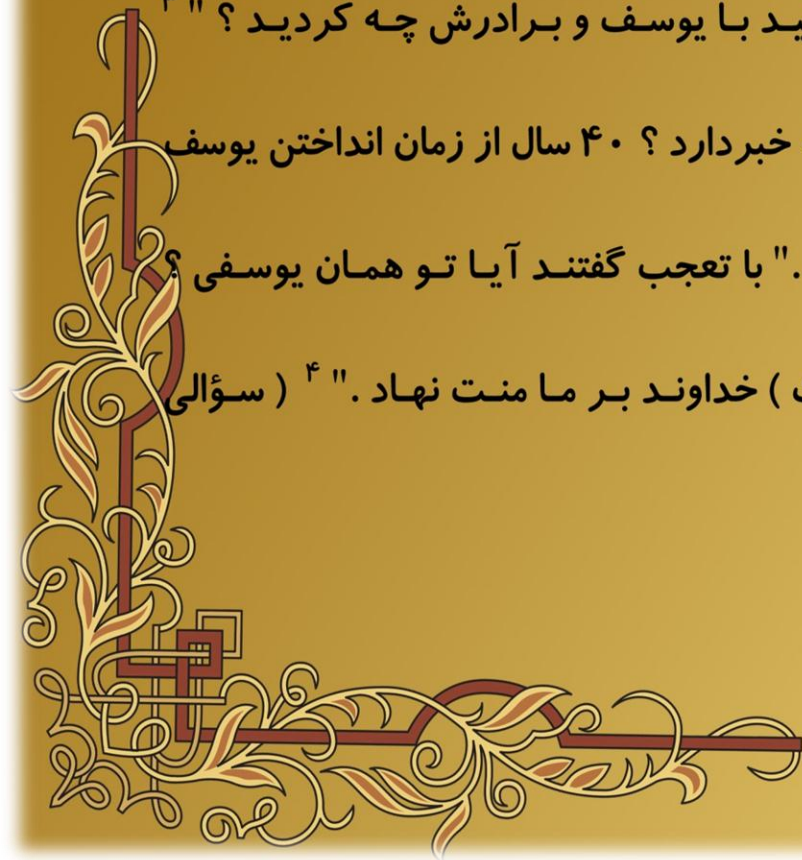
گفت : من یوسفم و این برادر من است (بنیامین) (معارفه صورت گرفت) خداوند بر ما منت نهاد . " ^۴ (سؤالی

^۱ - یوسف / ۸۷ .

^۲ - یوسف / ۸۸ .

^۳ - یوسف / ۸۹ .

^۴ - یوسف / ۹۰ .



برایشان ایجاد شد ، یوسف ته چاه ، روی تخت پادشاهی ؟ یوسفی که به عنوان غلام ارزان فروختند چه شد که او عزیز

مصر شد ؟ ... تمام اینها مقدمه چینی بود که حضرت یوسف جواب این سؤال را بدهند که در ذهن برادرانش بود (

هرکس تقوا پیشه کند ، صبر هم نماید ، قطعاً خداوند ضایع نمی کند پاداش نیکوکارن را .^۱

خداوند می توانست این آیه را از همان ابتدا بدون بیان داستان و مقدمه چینی ، بیان کند ولی برای ماندگاری در

ذهن آنقدر مقدمه چینی کرد و داستان را بیان کرد .

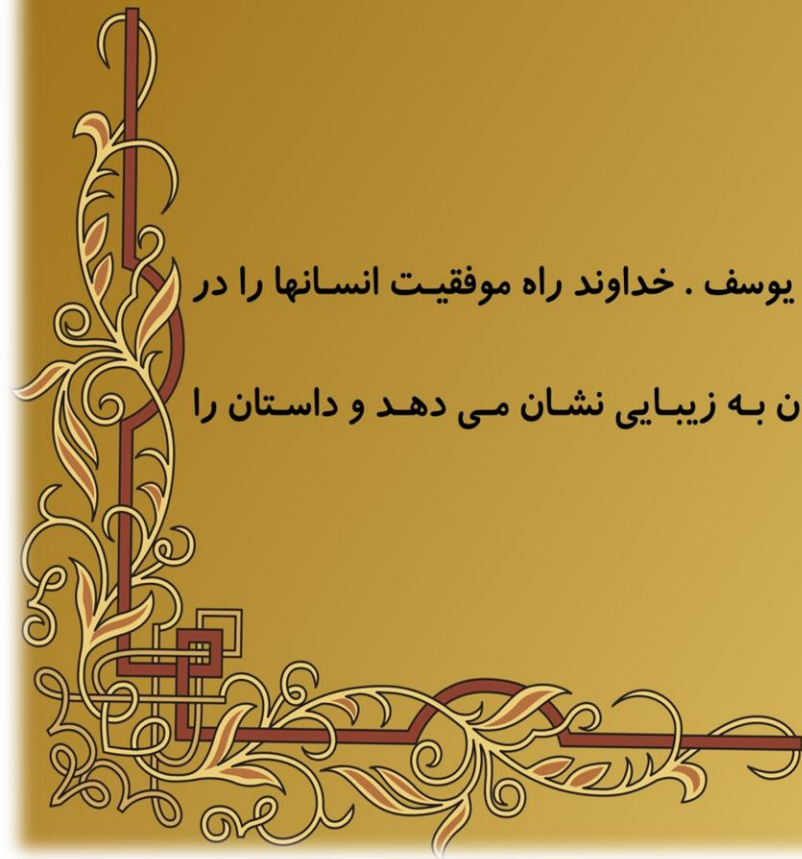
* در روش داستانی از چه داستانهایی می توان استفاده کرد؟

بعضی از داستانها : ۱) داستانهای قرآن ؛ نمونه آن مانند آیه ۹۰ سوره یوسف . خداوند راه موفقیت انسانها را در

اوج ذلت قرار داده است و می خواهد به اوج عزت برسد ، با بیان یک داستان به زیبایی نشان می دهد و داستان را

باجمله ای ختم می کند که آن جمله ، را سعادت همه انسانها است .

^۱ - یوسف / ۹۰ .



۲) شأن نزولها .

۳) داستانهای معتبر .

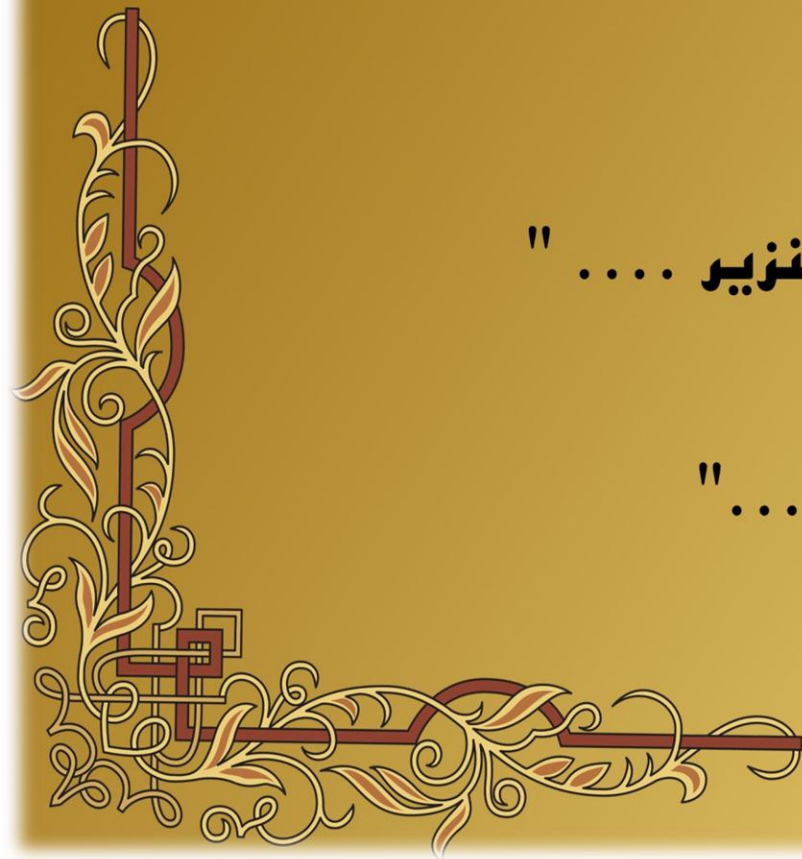
شأن نزولها در فهم آیه بسیار مؤثرند :

نمونه:

" حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخَنزِيرِ "

" الْيَوْمَ يَتَسَّ الذِّينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ ... "

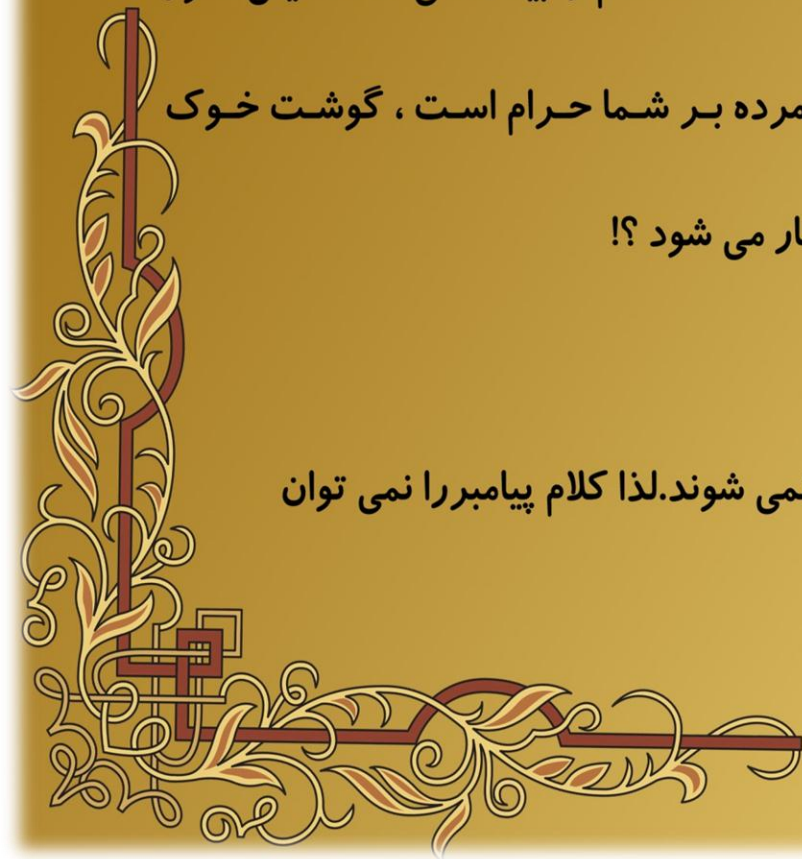
" الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ ... "



شان نزول ۲ فراز آخر آیه در باره نصب ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است که یأس کفار و اکمال دین را به همراه دارد.

اگر شان نزول را کنار بگذاریم آیا میتوانیم ارتباطی بین ۲ فراز آخر آیه با فراز اول آیه پیدا کنیم؟ در فراز اول آیه، بحث بیان بعضی از احکام است، بعد از این آیه، آیات دیگری هم هست که احکام را بیان می کند، این طور نیست که این آیه آخرین آیه احکام باشد. در فراز اول آیه می فرماید: "مرده بر شما حرام است، گوشت خوک و خون بر شما حرام است." آیا حرمت خوردن میته برای ما، باعث یأس کفار می شود؟! اگر شان نزول را کنار بگذاریم در فهم آیه دچار مشکل می شویم.

در روایات شیعه و سنی داریم که پیامبر فرمود: اهل بیت از قرآن جدا نمی شوند. لذا کلام پیامبر را نمی توان از آیه جدا کرد.



نمونه:

نمونه ای که آیه بدون شأن نزول قابل فهم نمی باشد :

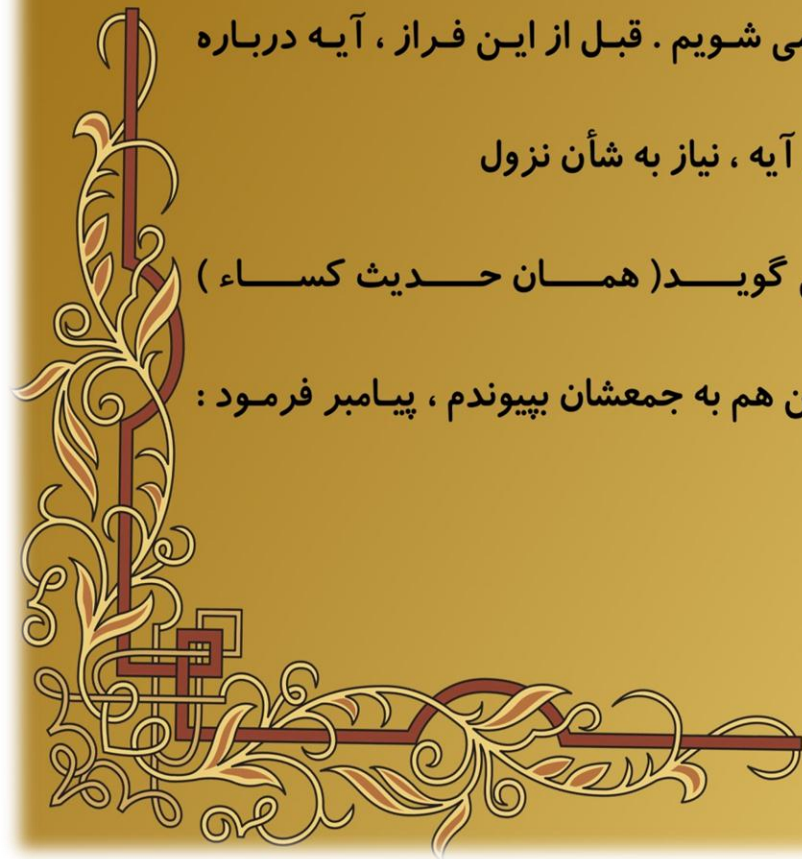
" إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً " ^۱

اگر شأن نزول را کنار بگذاریم در پیامبر است . فهم آیه دچار مشکل می شویم . قبل از این فراز ، آیه درباره

زنان پیامبر است ، بعد از این فراز هم درباره زنان لذا برای فهم این فراز از آیه ، نیاز به شأن نزول

می باشد . ام سلمه زمان شأن نزول آیه را می گوید (همان حدیث کساء)

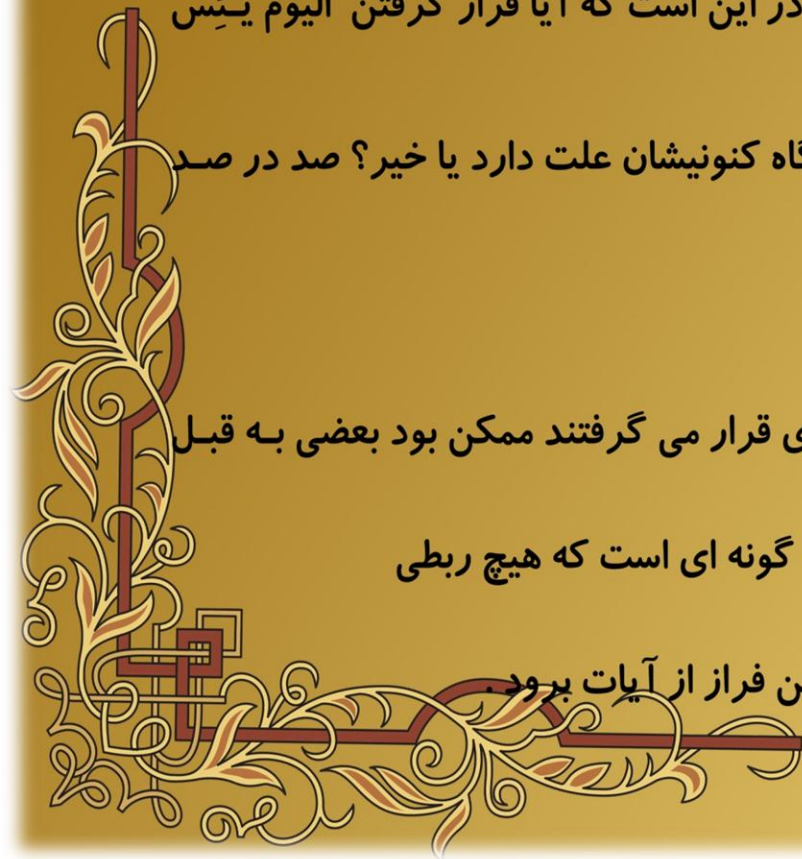
پیامبر اهل بیت را در زیر کساء جمع کردند ، ام سلمه می گوید : خواستم من هم به جمعشان پیوندم ، پیامبر فرمود :



تو عاقبت به خیر می شوی ، ولی جای تو این جا نمی باشد . سپس آیه نازل شد : " **انما یُریدُ الله ...** " (آیه مخصوص اهل کساء می باشد.)

در آیه ۳ سوره مائده نیز ، نیاز به شأن نزول داریم ، تا مستمعین بفهمند مصداق آیه چه کسانی هستند ، قرآن در زمان پیامبر گرامی اسلام جمع آوری شده و شکی هم در آن نیست . بحث در این است که آیا قرار گرفتن " **الیومَ یَسِّرُ الذین کفروا** " یا قرار گرفتن " **إِنَّمَا یُریدُ الله لَیذهبَ ...** " در جایگاه کنونیشان علت دارد یا خیر؟ صد در صد علت دارد و در آن شکی نیست .

باید به دنبال علت آن باشیم . اگر این فراز آیات در هر جای دیگری قرار می گرفتند ممکن بود بعضی به قبل یا بعد آیه مرتبط کنند و معنای آیه را عوض کنند. ولی جایگاه کنونی آنها به گونه ای است که هیچ ربطی به قبل و بعد آیه ندارند لذا انسان را تحریک می کند که به دنبال مصداق این فراز از آیات برود .

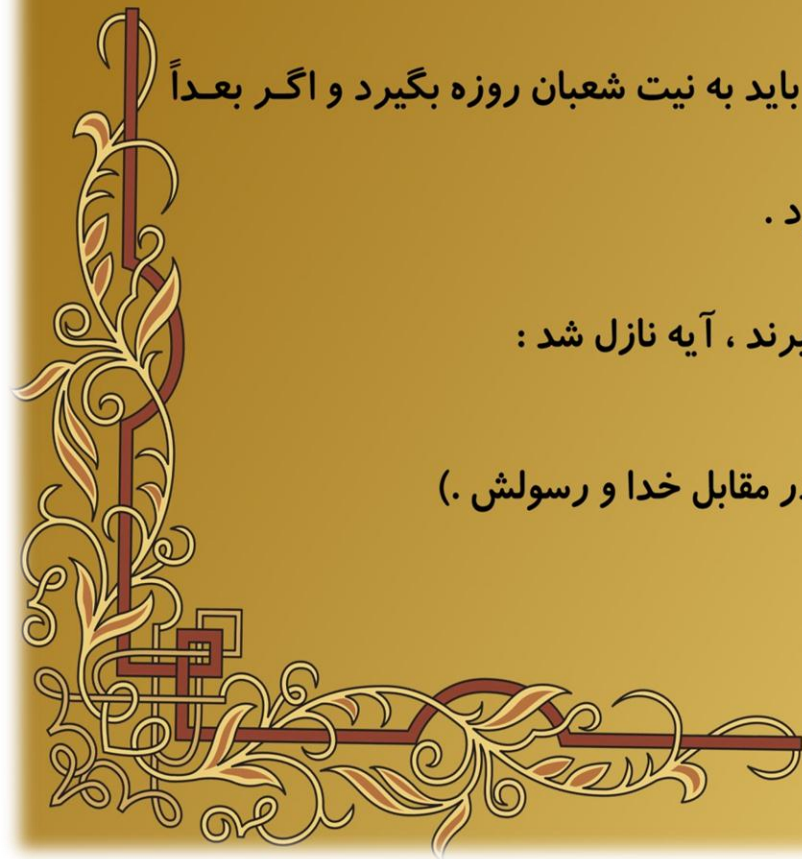


نمونه:

در زمان پیامبر گرامی اسلام ، (در ماه رمضان) مردم خیال می کردند فردا اول ماه رمضان است . هوا ابری شد ، ماه دیده نمی شد و تلاش برای دیدن ماه به سرانجام نرسید ، بعضی گفتند و لو این که ماه دیده نشده ما فردا را به نیت اول ماه رمضان روزه می گیریم . پیامبر دستور ی نداده بودند . حکم شرعی که مشخص است ، اگر ماه دیده نشود یعنی یوم الشک باشد ، می تواند شخص روزه نگیرد و اگر هم روزه گرفت باید به نیت شعبان روزه بگیرد و اگر بعداً متوجه شوند شعبان نبوده است ، به نیت ماه رمضان برایشان حساب می شود .

ولی این دسته افراد تصمیم گرفتند فردا را به نیت ماه رمضان روزه بگیرند ، آیه نازل شد :

" لَا تَقْدَمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ... " ^۱ (سبقت نگیرید در مقابل خدا و رسولش .)



حرکت آنها یعنی کاسه داغتر از آتش شدن ، بر رهبر جامعه سبقت گرفتن ، بر خدا و رسولش سبقت گرفتن .

در روش داستانی به دنبال صرف بیان داستان نیستیم ، بلکه داستانها را پرورش داده ، طبق آیه شریفه بیان کرده تا

بتوانیم منطبق بر زمان حاضر قرار دهیم .

گفته شد بعضی از داستانها ، شأن نزولهایی است که آیات شریفه داشته اند . خیلی از آیات با توجه به شأن نزولها

معنایشان بسیار روشن تر می شود ، که به بعضی از آنها اشاره شد . (مانند : **الْيَوْمَ يَنْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا** –

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ – إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ)

نمونه ای دیگر برای روش داستانی از قسم شأن نزول (بحث حجاب)

ممکن است کسی سؤال کند شما چه اصراری بر چادر دارید ؟ در حالیکه آیات قرآن هم چادر و هم روسری را

مطرح می نماید . چرا شما سخت می گیرید ؟



برای این که این ۲ را از هم تفکیک کنیم ناچاریم به شأن نزولها مراجعه کنیم ، نگاه کنیم جایی که بحث روسری

مطرح است برای چه کسانی است ؟ وجایی که بحث چادر شده است برای چه کسانی مطرح شده است؟

*آیه اول :مربوط به روسری است . (نور / ۳۱-۳۰) که در هر ۲ شأن نزول یکسان دارند ولی در آیه ۳۱ بحث

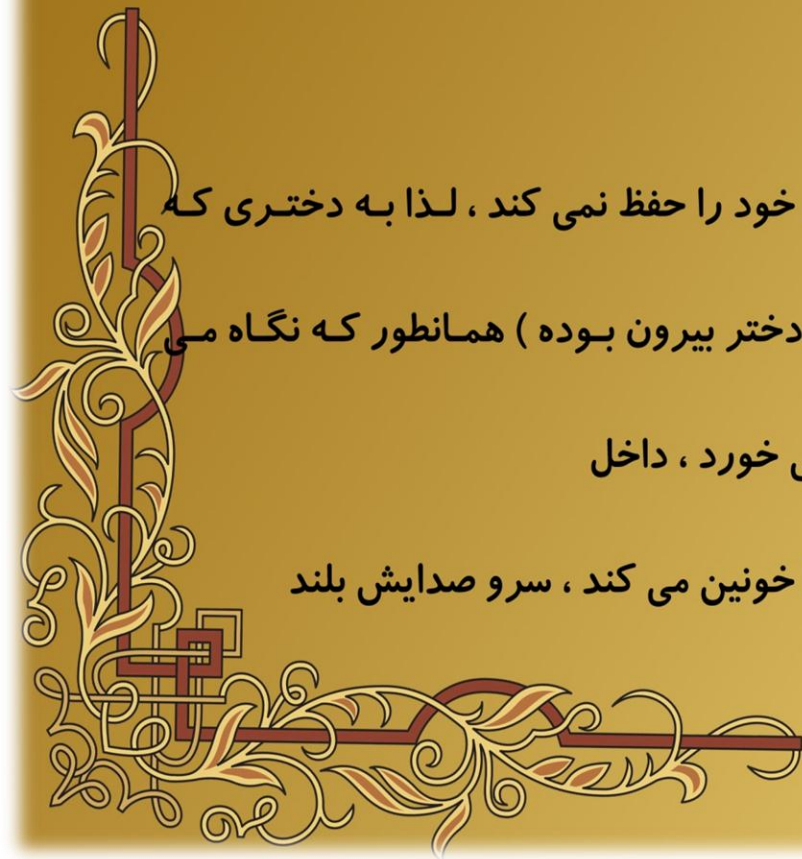
حجاب مطرح شده است . در این نوع آیه ها به روز بودن قرآن روشن می شود به طوری که راه بهانه را برای گناه کردن از انسان گرفته است .

شأن نزول : در زمان پیامبر اکرم جوانی از کوچه ای رد می شود ، نگاه خود را حفظ نمی کند ، لذا به دختری که

مقید به حجاب دینی نمی باشد چشم می اندازد . (مقداری از موها و گردن دختر بیرون بوده) همانطور که نگاه می

کرده وارد کوچه ای می شوند، چون حواسش پرت بوده سرش به دیوار می خورد ، داخل

دیوار سنگ یا استخوان هرچه که بوده به سر پسر اصابت کرده و سرش را خونین می کند ، سرو صدایش بلند



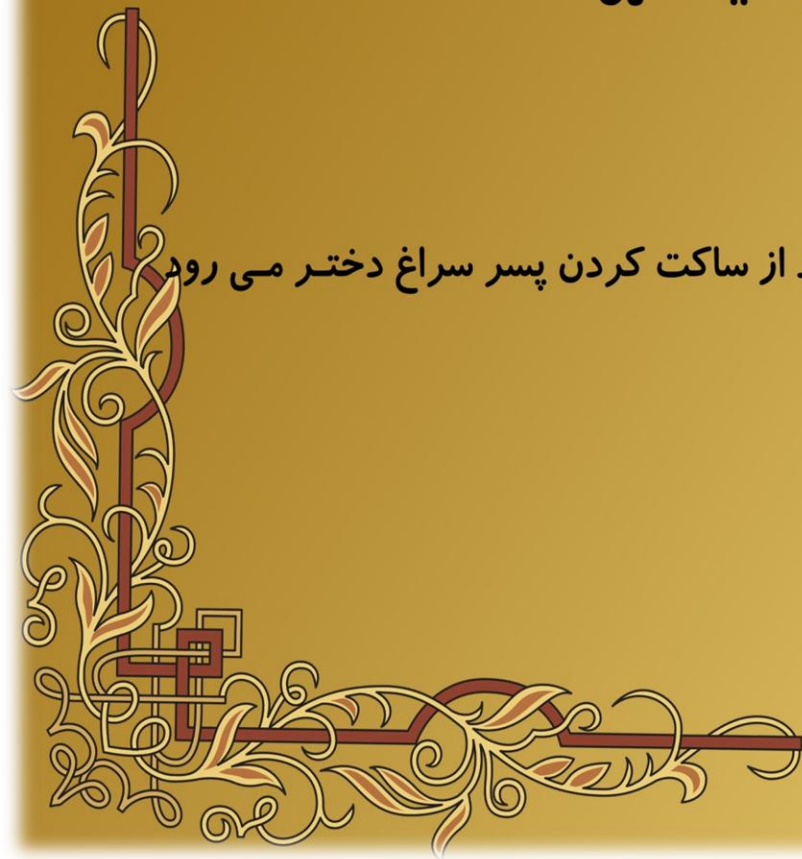
می شود که این چه جامعه اسلامی است؟ جامعه پر فساد شده ! من جوان مبتلا شدم، دخترها حجاب خود را رعایت نمی کنند با این طرز فکر نزد پیامبر اسلام می آید. پیامبر او را می بیند و میفرماید : چه خبر شده ؟ پسر جریان را بیان می کند . خداوند تبارک و تعالی آیه نازل می کند .

" قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ إِنْ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ " ^۱

ای پیامبر به انسانهای مؤمن بگو : می بندند چشمهایشان را ...

گویا خداوند ابتدا راه بهانه را می بندد ، باید چشمهایشان را ببندید . بعد از ساکت کردن پسر سراغ دختر می رود

که زمینه گناه را ایجاد کرده بود .



خبیر اُخص از علیم است . علیم یعنی دانا ، خبیر یعنی کسی که ریزه کاریها را هم می داند یعنی می داند که این پسر چرا نگاه کرد ؟ به نیت پسر ، که چرا این کار را انجام داد نیز آگاه است . پس چون که خداوند خبیر است : یغضّوا .

" قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ لَیَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ " ^۱ (شاهد مثال)

به زنهای مؤمنین بگو : چشمهای خود را حفظ کنند ، دنبال پاک دامنی باشند و مواظب باشند زینتهایشان آشکار نشود . باید بیاندازند روسریهای خودشان را بر روی گریبانهایشان.

خُمْرُ: جمع خمار . خِمار یعنی روسری یا مقنعه . جیوب : گریبانها (از جیب)

شأن نزول : درباره دختر غیر مقید . خداوند برای چنین دختری که در جامعه اسلامی نفس می کشد می فرماید:

اگر می خواهی در جامعه اسلامی بمانی ، شرط ماندن و نفس کشیدن در جامعه اسلامی رعایت حداقل حجاب می

باشد . (یعنی گردی صورت و دستها تا مچ آن هم بدون زینت)

شأن نزول آیه نشان می دهد که روسری یا مقنعه برای چه قشری است .

*آیه دوم مربوط به چادر (حجاب برتر) (احزاب / ۵۹)

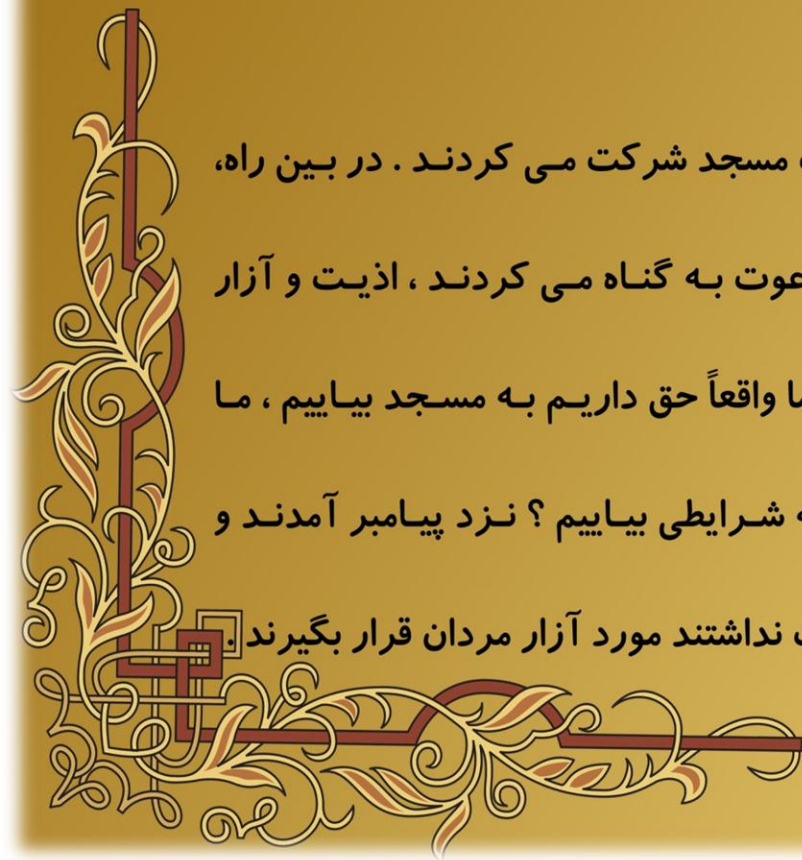
شأن نزول آیه : عده ای از همسران پیامبر گرامی اسلام ، در نماز جماعت مسجد شرکت می کردند . در بین راه،

مرد هایی مزاحمت ایجاد می کردند ، متلک می انداختند ، حرف می زدند ، دعوت به گناه می کردند ، اذیت و آزار

داشتند ... زنان پیامبر و زنان مؤمن خیلی ناراحت شدند و با خود گفتند : آیا ما واقعاً حق داریم به مسجد بیاییم ، ما

مسجد را ترک کنیم و در خانه بمانیم . اگر هم قرار است مسجد بیاییم با چه شرایطی بیاییم ؟ نزد پیامبر آمدند و

سؤال خود را مطرح کردند . آیه نازل شد برای زنان مؤمن و متدین که دوست نداشتند مورد آزار مردان قرار بگیرند .



خداوند می فرماید : " يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ

جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكُمْ أَدْنَىٰ أَنْ يَعْرِفْنَ قُلُوبَهُنَّ وَ كَانِ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا "

ای پیامبر بگو به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمن ، نزدیک می آورند بر خودشان چادر هایشان را ، این نحو

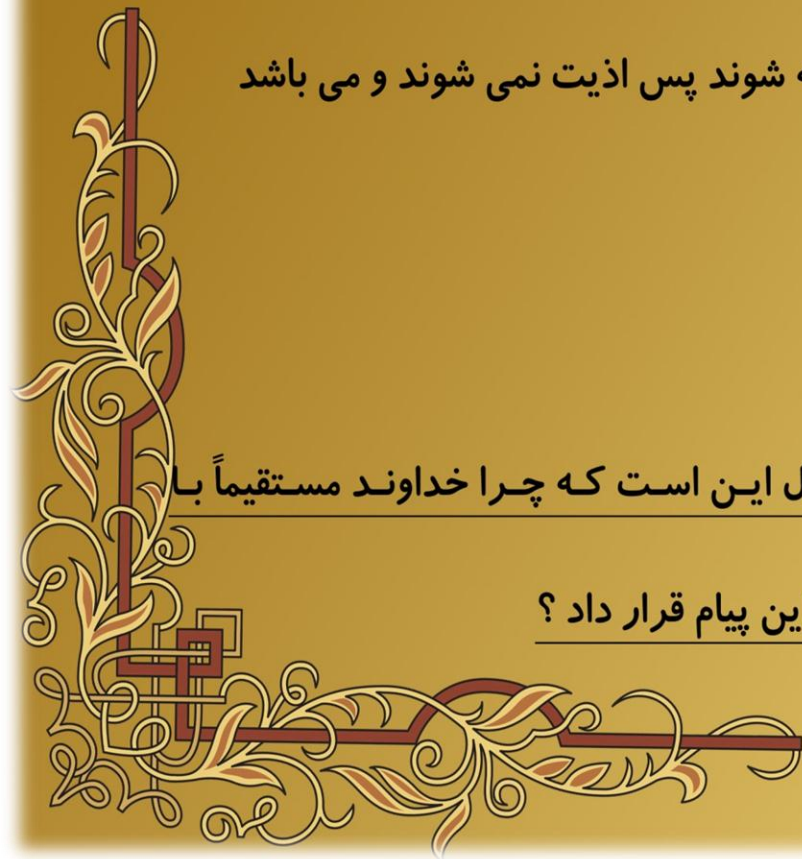
حجاب (چادر به سر کردن و محکم گرفتن چادر) نزدیک است که شناخته شوند پس اذیت نمی شوند و می باشد

خداوند بسیار بخشنده بسیار مهربان .

*** نکات تفسیری :**

(۱) در آیات قبل خداوند مستقیماً با زنان پیامبر سخن می گفت . سؤال این است که چرا خداوند مستقیماً با

همسران پیامبر در این آیه سخن نگفت ؟ چرا پیامبر را واسطه در رساندن این پیام قرار داد ؟



پیام : پیامبر اکرم چند عنوان دارند . هر عنوان برای انسان مسؤولیتِ زاست . پیامبر همسر این زنان است ، پدر بعضی از این دختران است . و مسؤول فرهنگی جامعه نیز می باشد . (۳عنوان) خداوند روی این عنوان ها دست می گذارند . ای پیامبر (تو که پیام رسانی) بگو به همسرانت ، بگو به دخترانت و بگو به زنان مؤمن

نمی توانیم بگوییم : من را در قبر خودم می گذارند و دخترم یا همسرم را در قبر دیگری . آیه می فرماید :

" قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً ^۱ " : نگه دارید خودتان را و خانواده تان را از آتش جهنم .

پس عنوان مسؤولیتِ زاست . لذا باید به عناوین توجه داشت .

(۲) جلایب: جمع جلاب: الف) چادر ب) پوششی که کاملتر از روسری است (روسری بلند)



۳) خداوند در این آیه نمی فرماید : چادر هایتان را سر کنید . چرا که آن را مسلم گرفته . زیرا این ها اهل ایمان بودند.

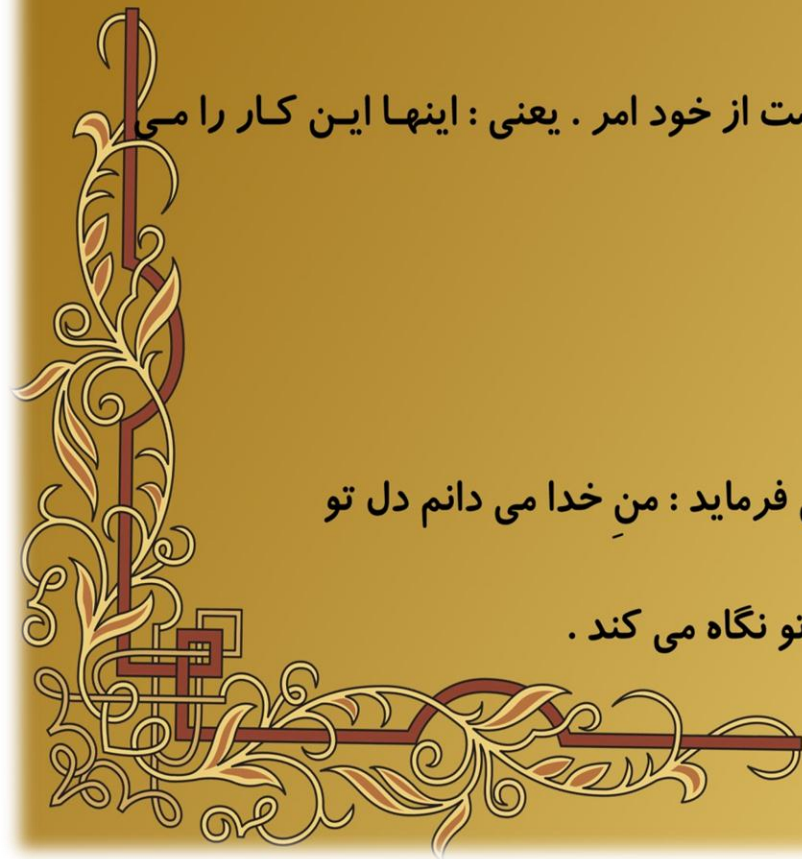
خداوند دستور به پوشیدن چادر نمی دهد بلکه پوشیدن آن را مسلم گرفته است ، لذا دستور به محکم گرفتن و نزدیک آوردن چادر می دهد.

یُدین : فعل مضارع است که در بعضی مواقع دلالتش بر امر قویتر است از خود امر . یعنی : اینها این کار را می کنند حتماً.

۴) مرجع ذلک ؟ پوشیدن چادر و محکم گرفتن آن .

۵) بعضی می گویند : (دل ما پاک است ، قصدی نداریم .) خداوند می فرماید : منِ خدا می دانم دل تو

پاک است ولی آن جوان هرزه از کجا بداند دل تو پاک است . او به ظاهر تو نگاه می کند .



آیا علاوه بر باطن ، ظاهر هم شرط هست ؟ " ذلک أدنی أن يعرفن " هم سؤال قبل و هم این سؤال را پاسخ می

دهد .

(۶) " أن يعرفن " یعنی چه ؟ الف) شناخته شوند که اهل گناه نیستند (علامه این را می پذیرند.)

ب) شناخته شوند که جزء کنیزان و اهل کتاب نیستند .

در تاریخچه اصل حجاب نشان می دهد انسانهایی که نسب و حسب بزرگی داشتند ، حجاب کامل هم داشتند . بر

خلاف آنچه که امروز می گویند : هرکس چادر سر کند اُمَل است . در قدیم از نوع حجابشان می توانستند بفهمند جزء

چه خانواده هایی هستند ، کنیزان و اهل کتاب حجاب کاملی نداشتند .

(۷) نتیجه حجاب کامل چیست؟ آیه جواب می دهد " فَلَإِ يُوْذِينَ "



* زنهای پیامبر ، دختران پیامبر و زنان مؤمن این نحو حجاب را نداشتند ، لذا وقتی آیه را شنیدند خیلی

ناراحت شدند که ما تا به حال نمی دانستیم چه کنیم ؟ خداوند می فرماید : تا به حال حکم را نمی دانستید ، حال که دانستید خداوند بخشندهٔ مهربان است .

* بالاخره روسری یا چادر ؟ بستگی به این دارد که شخصش چه کسی باشد . اگر از گروه اول یعنی " دختران غیر

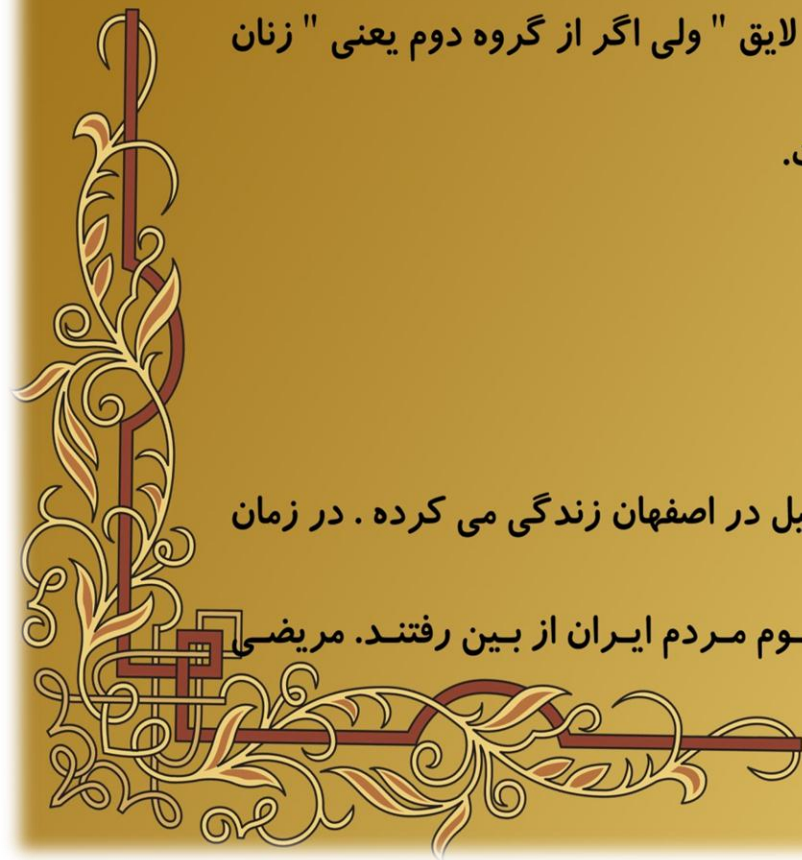
مقید " است ، همان روسری کفایت می کند و به قول معروف " خلاق ، هرچه لایق " ولی اگر از گروه دوم یعنی " زنان مؤمن " است که دوست ندارد به گناه دعوت شود ، دستور قرآن " چادر " است .

نمونه:

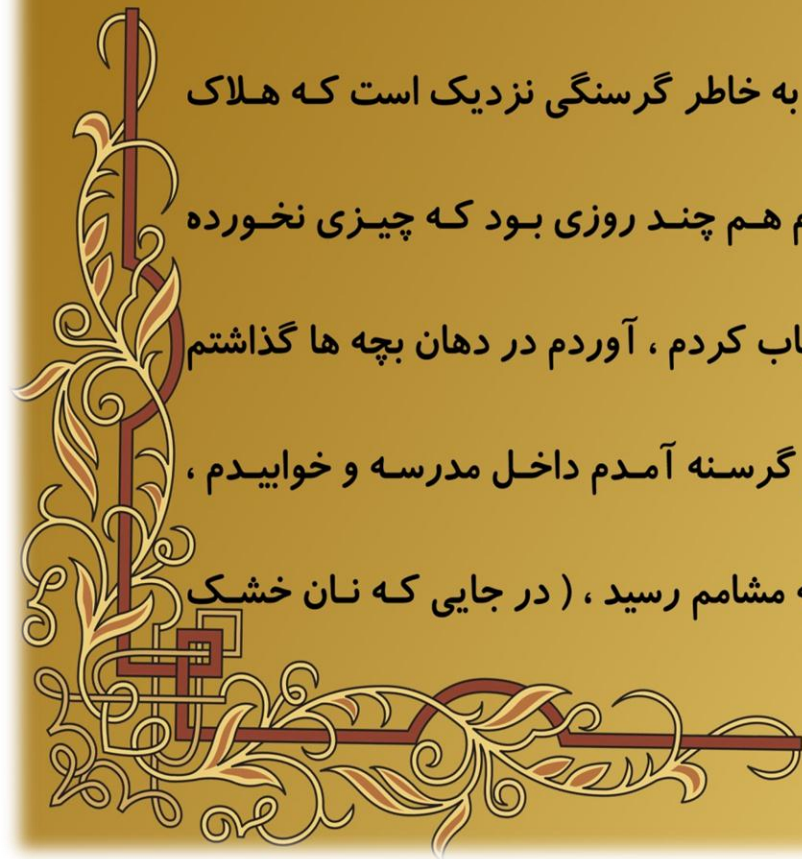
نمونه ای از روش داستانی از قسم داستانهای معتبر علماء :

مرحوم ملا هاشم قزوینی یکی از علمایی است که مدت زمانی برای تحصیل در اصفهان زندگی می کرده . در زمان

جنگ جهانی اول یک مریضی بر ایران حکم فرما شد که در آن تقریباً یک سوم مردم ایران از بین رفتند . مریضی



شدید بود . قحطی هم بر مردم فشار می آورد.ایشان می گوید: من در حجره بودم و چند روزی هم بود که لب به چیزی نزده بودم . آن قدر فقر فشار آورده بود که هر کاری کردم نتوانستم چیزی تهیه کنم . یک خبری در اصفهان پیچید که گفتند یکی از ثروتمندان اصفهانی شتری را می کشد و بین فقرا تقسیم می کند . خیلی خوشحال شدم و فردا با هر زحمت در صف ایستادم و یک تکه گوشت کمی را گرفتم، در هنگام برگشت دیدم خانم محترمی با چند تا بچه کنار کوچه افتاده ، احساس کردم بچه ها چند روزی است غذا نخورده اند و به خاطر گرسنگی نزدیک است که هلاک شوند با خودم کلنجار رفتم که خدایا چه کنم ؟ بالاخره خودم یا اینها ؟ خودم هم چند روزی بود که چیزی نخورده بودم . چه کار کنم ؟ تصمیم خود را گرفتم ، رفتم داخل حجره گوشت را کباب کردم ، آوردم در دهان بچه ها گذاشتم ، هر تکه ای که به دهانشان می گذاشتم گویی جان تازه می گرفتند . خودم گرسنه آمدم داخل مدرسه و خوابیدم ، نصف شب دیدم درِ مدرسه را می زنند ، رفتم در را باز کنم ، بوی نان داغ به مشام رسید ، (در جایی که نان خشک



هم پیدا نمی کردم) ، یک دفعه دیدم صدایی از پشت در آمد گفتم : ملا هاشم خیال کردی ما شما را فراموش می کنیم ؟ ملا هاشم اینها را بگیر ، نتیجه کاری است که تو کردی .

میدانید آمدن این روزی مصداق چیست ؟ مصداق این آیه شریفه :

" مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ " ^۱

هرکسی که تقوی پیشه کند از خدا ، خداوند برای او راه گشایشی قرار می دهد و او را از جایی که گمان ندارد ،

روزی می دهد . تنها روزی دهنده خداوند تبارک و تعالی است که اگر بخواهد می دهد و اگر نخواهد نمی دهد .